

## چرا طرح تحول اقتصادی با این سرعت تصویب شد؟

علیرضا ثقفی

در دو هفته گذشته مجلس حامی دولت به اصطلاح طرفدار مستضعفان و اقشار پایین جامعه طرحی را تصویب کرد که مدت بیست سال گذشته مورد مناقشه ی نیروهای درون حکومت بوده است. در مقاله ای که سال گذشته تحت عنوان "طرح تحول اقتصادی و تاثیر آن بر زندگی کارگران" نوشتم توضیح دادم که چرا این طرح اساساً ضد کارگری و در جهت منافع سرمایه داری جهانی و شرکتهای بزرگ است.

اکنون با ذکر مختصری از تاریخچه ی این طرح به دلایل تصویب آن با سرعت هر چه تمام تر در این شرایط میپردازم.

در مقاله ی گفته شده یادآور شدم که این طرح همان طرح تعدیل اقتصادی است که در سالهای پس از جنگ ایران و عراق از طرف صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به ایران پیشنهاد شد. و همان طرحی است که در دهه ی گذشته در کشورهایی مانند آرژانتین باعث ناآرامیهای وسیع اجتماعی شده و کشورهای آسیای جنوب شرقی از جمله کره ، سنگاپور و اندونزی را در دهه ی گذشته با بحران اقتصادی وسیع مواجه کرد. این طرح در حقیقت پیوستن ایران به بازار جهانی و بازار آزاد و پذیرفتن سیاستهای ورشکسته ی واگذاری همه چیز به بازار آزاد است که در بحرانهای اخیر نادرستی خود را کاملاً نشان داد. این طرح بطور کامل از نسخه ای برداشته شده است که در سال ۲۰۰۳ بانک جهانی برای ایران توصیه کرد و پرداخت هر گونه وام و سرمایه گذاری در ایران را منوط به اجرای این طرح کرد. (۱) حکومت اصلاح طلب قبلی با تمام وجود تلاش کرد که این طرح را به صورت دیگری اجرا کند. دعوت از سرمایه های خارجی به ایران و واگذاری بخشهایی مانند مخابرات به ایرانسل (ترکسل قبلی) و فروش سهام شرکت نفت به شرکتهای بزرگ بین المللی، واگذاری فرودگاه بین المللی به شرکتهای بزرگ بین المللی و هم چنین خصوصی کردن آموزش و پرورش و دانشگاهها و بسیاری مسایل دیگر که در جهت آزادسازی اقتصادی بود، در دولتهای قبلی صورت گرفته بود. هم چنین افزایش قیمت سالانه بنزین و حاملهای انرژی مساله ای بود که در دولت قبلی به تصویب رسیده بود و دولت فعلی به مدت ۴ سال آن را متوقف کرده و مبادرت به سهمیه بندی بنزین کرد. اما اکنون در شرایط اعتراضات اجتماعی وسیع و بی ثباتی عمیق نیروهای دولتی و تاریک بودن آینده هرم قدرت، تصویب این طرح جای بررسی ویژه دارد. زیرا به گفته ی تمام طرفداران این طرح از اصلاح طلب و محافظه کار، اجرای آن باعث وارد شدن شوک اقتصادی به جامعه شده و ناآرامیهای اجتماعی را به دنبال خواهد داشت و در شرائط عادی تورمی بیش از شصت در صد را به جامعه تحمیل خواهد کرد.

پس چه عاملی سبب شده است تا این طرح با این سرعت و در این موقعیت زمانی تصویب شود؟ از خود طرح آغاز میکنیم:

در این طرح با چانه زنی دولت و مجلس بالاخره مقرر شد که (۲) درآمد حاصل از طرح تحول اقتصادی که بنا به گفته برخی از مقامات بیش از درآمد فروش نفت است، به صورت ۵۰ درصدی میان دولت و اقشار پایین جامعه تقسیم شود. یعنی به هر میزان که مردم پرداخت بیشتری در زمینه ی تامین انرژی و کالاهای اساسی داشته باشند، آن میزان میان دولت و بخشی از مردم ، به انتخاب خود دولت تقسیم میشود. این بخش از مردم ۵ دهک پایین است که باز هم به انتخاب دولت است که تعیین کند که دهکهای پایینی چه کسانی هستند. و ۵ دهک بالایی که آن هم به انتخاب دولت است باید از انرژی و خدمات گران استفاده کنند که این گرانی گاه همانند برق تا سه برابر قیمت منطقه ای آن است (قیمت برق در کشورهای همسایه مانند ترکیه و آذربایجان کیلو واتی ۲۵ تومان است درحالی که در طرح تحول اقتصادی مصرف کنندگان ایرانی باید آن را کیلو واتی ۷۷ تومان خریداری کنند). جالبتر آنکه گرانفروشی دولت در این طرح به حدی است که سرو صدای همه را در آورده است. در این طرح قیمت حاملهای انرژی همانند بنزین و نفت و گاز و بیل به قیمت جهانی و یا آنطور که گفته شده فوب

(تحويل) خليج فارس محاسبه ميشود و نه به قيمت تمام شده زيرا قيمت تمام شده حاملهاي انرژي براي دولتي كه به منابع فراوان دسترسي دارد تنها هزينه استخراج است كه كمتر از بيست درصد قيمت جهاني است، اما در مورد كالائي همانند برق كه به علت ناتواني و فساد دستگاه اداري بيش از سه برابر قيمت جهاني توليد ميشود، مصرف كنندگان بايد قيمت تمام شده را بپردازند و اين سياست يك بام و دو هوا دوشيدن هر چه بيشتر مردمی است كه زير بار فقر و گراني كمرشان خم شده است.

با توجه به تجربه ی سی سال گذشته كه در زمينه توزیع سوبسيدها داشته ایم، از آنجا كه هرم قدرت در ايران بسيار بسته و هماهنگ است، تقسيم ۵۰ درصد اين درآمد ميان ۵۰ درصد از طرفداران حكومت به ايجاد يك بخش پردرآمد از وابستگان دولتي منجر خواهد شد كه اين وابستگان بايد در تمام زمينه ها سرسپردگي خود را به قدرت نشان دهند. در غير اين صورت اهرمهاي دولتي به سادگي ميتوانند آنان را از گردونه ی دريافت كمكها حذف كنند و ۵۰ درصد ديگرمردم هم كه اغلب آنان مخالفين وضع موجود هستند بايد آنچهان در گردونهء فشار اقتصادي قرار گيرند كه همراه با سرکوب نظامی دیگر توان اعتراض از آنان گرفته شود.

در اين طرح مشخص است كه اعوان و انصار دولت و حكومت گران از امتيازات برخوردار ميشوند و مخالفان از امتيازات محروم. علاوه بر آن، ۵۰ درصد اين درآمد در اختيار دولت قرار ميگيرد تا نيروهاي نظامی و انتظامی را تجهيز كند و بدین وسيله بتواند با ناآرامیها و اعتراضات مقابله كند. دلايل ديگري وجود دارد كه تصويب اين طرح را با اين سرعت در اين مقطع ضروري ميسازد.

حذف يارانه ها و كمكهاي دولتي به بخشهاي كشاورزي و توليدي به گفته همه ی دست اندركاران آن باعث شوک عظيم اقتصادي و اجتماعي خواهد شد كه اجرائی آن جز با مشت آهنين براي سرکوب ناآرامیها ميسر نخواهد بود. با توجه به آنكه بهترين زمان براي سرمايه گذاري زماني است كه خون روی زمين است(۳) هيچ زماني براي حكومت گران بهتر از اين زمان كه اعتراضات مردمی و درگيریهاي خياباني در حال گسترش است پيدا نمی شود. در شرايط حاضر كه حكومت گران تصميم گرفته اند به هر صورت اعتراضات مردمی را سرکوب كنند و با تجهيز نيروهاي جديد خود را براي آن آماده ميكنند، بهترين زمان اجرائی اين طرح از نظر آنان انتخاب شده است تا با برقراری مشت آهنين به هر گونه اعتراض در اين زمينه پاسخ گویند. البته كه نظاميان و انتظاميان الكوهای خود را در اين زمينه از همان شوک درمانیهاي قدرتهای بزرگ ميگيرند.

يکي از فرماندهان كهريزك به زندانيان ميگفت كهريزك بالاتر از گوانتانامو است. در حقيقت در آن مقايسه ای بين دو زندان ميگرد و نظرش بر آن بود كه ما نبايد از امريكا عقب بيافتيم. اين يکي از عرصه هايی است كه ايران تلاش ميکند كه پا جای پای امريكا بگذارد. اگر اين مطلب را در عرصه هاي ديگر دنبال كنيم مشاهده ميكنيم كه فرماندهان سپاه الكويشان ديك چني و ديگران هستند. الكوهايشان همان خصوصي سازنهای ارتش امريكا است كه كارهاي پيمان كاری را به فرماندهان با تجربه نظامی ميسپارد. كهريزك نمونه يك زندان خصوصي و يك شركت نظامی براي گرفتن اعتراف و جلوگيري از اعتراضات بود. نمونه و الكوی آن نیز زندانهای ابوغريب و يا زندانهای فرودگاه بغداد بود كه در آن شركتهای خصوصي بازجویی از متهمان را برعهده ميگرفتند. دكترين شوک (۴) صاف كردن زمينهای آباد، دكترين زمينهای سوخته و ساخت از نو است. دولت نظامی فعلی الكويش همان اعمال پل برمر در عراق و امريكا در يوگوسلاوي است. زمينها را صاف كنيم تا از نو آنها را مطابق آنچه ميخواهيم بسازيم. كارگاهها و كارخانه ها را خراب كنيم و به جای آن شركتهای پيمان كاری سپاه را بسازيم. در حقيقت آنچه پل برمر در عراق اجرا كرد، دولت و سپاه در ايران تلاش ميكنند پياده كنند. آنها الكوی خود را عراق قرار داده اند. توليدات قبلی را از ميان ببر و به جای آن شركتهای نظامی را جايگزين كن. در همين راستا الصدرا بايد ورشكست شود تا به دست سپاه بيفتد. مخابرات بايد تخریب شود تا به دست سپاه برسد. كارهای توليدي بايد به صفر برسد و به جای آن كالايی مصرف شود كه سود دلالي بالايی داشته باشد و شركتهای واردات و صادرات با حجم وسيع واردات بتوانند در کنار آن كالاهای نظامی را نيز خريد و فروش كنند. حجم بالاي صادرات و تجارت اجازه ميدهد كه دركنار آن بتوان كالای قاچاق نظامی را هم خريداري كرد و

از آن طریق ماشینی نظامی را به راه انداخت. آنچه دو وجه حرکت سرمایه را مشخص میکند که یکی بازار آزاد سرمایه و دیگری مشت آهنین است امروزه میتوان در دو وجه نظامی و غیرنظامی، در پیش برد سیاستهای بازار آزاد و روحیه نظامی سپاه مشاهده کرد.

مافیای ثروت و قدرت به شیوه هالیبرتون عمل میکند:

شرکت الغدیر به مدیریت آقای خزعلی را تئوریسینهای درجه اول سپاه میگردانند. وی کسی است که نظریات حکومت اسلامی و هم چنین ارتباط حکومت با امام زمان را تئوریزه میکند. این شرکت از نظر فکری ارتباطی تنگاتنگ با آقای مصباح یزدی و موسسه در راه حق دارد و در خصوصی سازیهای چهار سال اخیر و اصل ۴۴ بیشترین ثروت را بدست آورده است. این شرکت در قالب سرمایه گذاری (افشاگریهای پالیزدار) اقدام به خرید شرکتها در معرض فروش کرده است. از جمله یخچال سازی بوژان، سهام بلوکی فولاد مبارکه و شرکتها دیگر نظیر آتیه دماوند - سیمان خزر - کویر تائر - لیزینگ صنعت و معدن - موتوژن - پتروشیمی اوره آمونیاک (۵) در هیات مدیره این شرکت نام آقایان احمدی نژاد، پورمحمدی، فتاحی (وزیر نیرو)، زاهدی، وزیر علوم و هفت وزیر دیگر دیده میشود. نماینده این شرکت در لبنان سید حسن نصرالله است و احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان از اعضای موثر آن است. اکثر فرماندهان سپاه با این شرکت نزدیکی دارند....

بانک صنعت و معدن و شرکت آتیه ی دماوند و سرمایه گذاری صنعت و معدن و لیزینگ صنعت از شرکتهاست که با آن سرمایه گذاری مشترک دارند. (سهام بانک صنعت و معدن نیز در اختیار بانکهای امریکایی است. این بانک از ادغام صندوق صنعت و معدن که صندوق مشترک ایران و آمریکا برای کمک به صنایع ایران (مطابق اصل ۴ ترومن) بود و بانک توسعه صنعتی و معدنی که ۱۳ درصد سهام آن متعلق به بانکهای بین المللی انگلیس و آمریکا بود به وجود آمد) (۶)

طرفداران مستضعفان یک اقتصاد رانت خوار و رباخوار به راه انداخته اند که میزان بهره ی پول در آن بی سابقه است. بهره های رسمی تا ۲۶ درصد را (بانک پارسیان) از مردم بیچاره دریافت میکند. بانکهای دیگر نیز به رغم آنکه در ظاهر بهره ای کمتر دریافت میکنند اما عملاً همین بهره ها را دریافت میکنند. زیرا بهره ی دیرکرد و پولی که به عنوان شیرینی و هدیه ماموران بانکهای دولتی دریافت میکنند در مجموع هیچ گاه کمتر از همان ۲۶ درصد نمی شود. در چنین شرایطی یک اقتصاد رباخوار بر جامعه در سی سال گذشته حاکم شده است.

این است که شاهد هستیم که پس از سی سال تنهاندگی مردم به رغم درآمدهای افسانه ای نفت هم چنان سقوط کرده است.

برطبق گفته منابع رسمی در سی سال گذشته بیش از ۷۳۵ میلیارد دلار نفت فروخته شده است درحالی که به روایت آمار رسمی، زندگی مردم به مراتب سقوط کرده است (۷).

تنها عده ای خاص سرمایه های کلان را از ایران خارج کرده و در کشورهای دبی و چین، کانادا، ترکیه و... سرمایه گذاری کرده اند. علت آن همان مساله شیوه ی اقتصادی است که در این مدت بر ایران حاکم بوده است و برای این چپاول لازم است که نقدینگی هر چه بیشتر افزایش یابد. زیرا بدون نقدینگی و وجه نقد نمیتوان سرمایه را از کشور خارج کرد. این عصای موسی و این پول بیزبان بهترین وسیله برای جابجا کردن اموال مردم و خرید و فروش متورم شده زمین و اموال غیرمنقول است. پس باید هر چه بیشتر در اختیار جابجاکنندگان سرمایه باشد. در این سی ساله همه ی دولتها در پخش و چاپ اسکناس و افزایش حجم آن بیوقفه کوشا بوده اند و در آن تنها آخرین ریالهای جیب کارگران را هم از آنان گرفته اند. در آخرین آمار نقدینگی به ۲۰۰ هزارمیلیون تومان (۲۰۰ میلیارد دلار) در ایران رسیده است که بیش از سه برابر فروش سالانه نفت است (۸). این به معنی آسان کردن خروج این سرمایه برای عده ای خاص در کشور است. آنان میتوانند بی دغدغه و با در دست داشتن و دسترسی داشتن به این نقدینگی دلارهای نفتی را از یک طرف دریافت کرده و از طرف دیگر خارج کنند.

درخصوصی سازیها که برای رضایت صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و قبولی در سازمان تجارت جهانی با سرعت هر چه تمام تر ادامه دارد، آن چنان افتضاحاتی به بار میآید که صدای خود نهادهای حکومتی بلند میشود از آن جمله میتوان به واگذاری معدن انگوران اشاره کرد.

این معدن در حالی به ۱۵۵ میلیارد تومان به شرکت توسعه معادن روی ایران واگذار شد که کارشناسان قیمت مواد اولیه موجود و کشف شده ی آن را بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان برآورد کرده بودند (۹). در این مزایده گفته شده است که سه شرکت رقیب برای مزایده در حقیقت با هم دست بوده اند. شرکت توسعه معادن روی خود جزو شرکتهای گروه مهر است که وابسته به کنسرسیومی است که مخابرات را خریداری کرده و همین طور کشتیرانی صدرا و تایید واترو شرکت آلومینیوم ایران و... غارتگران اموال مردم به نام خصوصی سازی و گردش آزاد سرمایه باجهای کلانی به شرکتهای بزرگ بین المللی پرداخت میکنند و قراردادهای خارجی عجیب و غریب و با سودهای کلان با شرکتهای چند ملیتی را امضا میکنند (۱۰).

از جمله شرکت آلمانی Linde بزرگترین شریک سازنده تجهیزات پالایشگاهی پتروشیمی و گاز ایران بزرگترین شرکت سازنده این تجهیزات در جهان هم هست. این شرکت به برکت کارهای میلیاردری در ایران توانسته است شرکتهای رقیب را خریداری کند و در يك معامله مبلغ ۱۲,۲ میلیارد یورو پردازد تا شرکت رقیب انگلیسی خود در این زمینه را به نام (BOC) ببلعد و بتواند به بزرگترین شرکت در این زمینه تبدیل شود. این شرکت پتروشیمی الفین و سایر پتروشیمی ها را در ایران میسازد و وجوه نقد میگیرد. (۱۱) این شرکت هم چنین سازنده ی پتروشیمیهای جدید در ایران است.

سودطلبی آنجا مشخصتر میشود که در برابر این غارت اموال در همکاری بیوقفه ی صاحبان قدرت و ثروت هر روزه از خدمات عمومی به مردم کاسته میشود و جدال جان و سرمایه در کاهش خدمات عمومی (۱۲) خبر از کاهش ۴۹ درصدی مصرف برق معابر میدهد که دولت برای صرفه جویی بسیاری از بزرگراهها را از روشنایی محروم کرده است تا برق را با قیمت بیشتری به مردم بفروشد. به گفته ی کارشناسان راه و ترابری این کاهش روشنایی باعث افزایش تصادفات شهری و جاده ای و ناامنی در شبها در خیابانهای تاریک است. سالانه بیش از ۳۰ هزار نفر در تصادفات جاده ای کشته میشوند و هزاران نفر به خاطر تاریکی معابر مورد حمله خلافکاران قرار میگیرند اما دولت به فکر سود خود در صرفه جویی در مصرف برق است. به گزارش منابع آماری در سی سال گذشته هفتصد هزار نفر در تصادفات جاده ها جان خود را از دست داده و میلیونها نفر معلول شده ویا در این روابط زندانی میشوند. (۱۳)

در همین زمینه حذف خدمات عمومی درآمار میآید که روزانه سی نفر بر اثر آلودگی هوا در تهران جان خود را از دست میدهند و در برابر قدرتمداران در پی بدست آوردن مالکیت اموال عمومی هستند و با تمام سرعت در پی خصوصی سازی و واگذاری اموال عمومی به وابستگان و نزدیکان نیروهای نظامی و دولتی با سرعت هر چه تمام تر حرکت میکنند.

تایید واتر خاور میانه ، توسعه معادن روی، تراکتور سازی ایران سرمایه گذاری توسگستر، ریخته گری تراکتورسازی ایران، لوله و تجهیزات سدید، داروسازی جابربن حیان، فراوری مواد معدنی سرمایه گذاری توسعه آذربایجان و بسیاری شرکتهای کوچک دیگر (۱۴) و هم چنین فولاد مبارکه را نیز شرکت توسعه اعتماد مبین خریداری کرده است. در خرید بلوک تاییدواتر موضوع امنیتی بودن این شرکت مطرح شد و هیچ خریدار دیگری نتوانست در آن شرکت کند (از جمله يك خریدار خارجی) شرکت صاایران نیز از شرکتهای وابسته به سپاه به عنوان مشاور "مهر اقتصاد" معرفی شده است. شرکت سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران و شرکت انفورماتیک ایران از جمله شرکتهای همراه "مهر اقتصاد" هستند.

مهر اقتصاد ایرانیان و بنیاد تعاون سپاه و توسعه اعتماد مبین در قالب يك کنسرسیوم متقاضی خرید بلوک مخابراتی بودند. در انتها توسعه اعتماد مبین آن را خرید که در حقیقت همه با هم بودند. و تنها جریان

وابسته به اصلاح طلبان که رقیب آن بود "پیشگامان کویر یزد" که آن هم متشکل از ۱۲ شرکت بود و در انتها به دلایل امنیتی رد شد و نتوانست در رقابت شرکت کند. آنقدر فروش این سهام خنده دار است که اگر بحث امنیت مطرح است پس تنها به شرکتهایی میتوان آن را واگذار کرد که بطور کامل در یک نظام امنیتی مورد تایید کامل باشند یعنی درحقیقت واگذاری بزرگترین موسسه مخابراتی به ماموران امنیتی است. مامورانی که بخش نظامی را اداره میکنند. (۱۵)

بزرگترین شرکت آب معدنی ایران دماوند وابسته به شرکت دنون فرانسه بزرگترین تولید کننده آب معدنی جهان است. تولید کننده که چه عرض شود توزیع کننده. (۱۶) (شرکت نستله نیز در این میان سهم دارد.)

ولی جاذبه های سرمایه گذاری در ایران برای شرکتهای بزرگ بین المللی تنها به دعوت برای داشتن سهام بیش از ۵۰ درصدی تا صد در صدی تمام نمی شود. بلکه هم اکنون شرکتهای بزرگ بین المللی با سهام فائقه در حال کار هستند. نمونه ی آن شرکت ریو تیتوی استرالیا است که هفتاد درصد سهام شرکتی را در ایران دارد که در زمینه اکتشاف طلا فعالیت میکند و اخیرا معدنی را در کردستان کشف کرده است که به گزارش روزنامه همشهری (۱۷) سالانه بین ۴ تا ۵ میلیون تن سنگ معدن طلا از آن استخراج میشود. این اکتشاف بین ۱۲ تا ۱۸ سال ادامه خواهد داشت. تنها سی درصد سهام این معدن به ایران تعلق دارد. سرمایه خارجی برای جذب در ایران تا کنون امتیازات زیادی را دریافت کرده اند که از جمله آن میتوان به داشتن صد در صد مالکیت شرکتهای در موسسات اشاره کرد و اگر تا کنون این جاذبه ها نتوانسته است آنان را ارضا کند، دلیل آن را در سخت گیریهای فرهنگی و اجتماعی و در روابط تیره ی سیاسی باید جست و جو کرد. هر چند که سرمایه گذاریهای شرکتهای بزرگ در زمینه های نفت و گاز و پتروشیمی هم چنان ادامه دارد.

اما با این سرمایه های کلان وضعیت معیشتی مردم هم چنان در سرایشی سقوط قرار دارد. بر طبق گفته ی وزیر مسکن (۱۸) در سال ۱۳۸۵ تعداد یک و نیم میلیون خانوار بدون مسکن بوده اند و از آن سال تا کنون سالانه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار زوج جدید نیاز به مسکن داشته اند. در نتیجه با افزایش سه میلیون بی خانه به آنان در طی ۴ سال گذشته هم اکنون ۴,۵ میلیون خانوار فاقد مسکن هستند که در حدود ۲۵ درصد جمعیت ایران میشود. آن هم در کشوری که دارای ۲۰۰ میلیارد دلار نقدینگی و دارای چنین منابع و معادنی است.

خصوصی سازی در ایران با سرعت بسیار فزاینده تر از کشورهای دیگر به پیش میرود زیرا در حالی که از بین ۲۰۰ کشور جهان تنها ۱۶ کشور مبادرت به خصوصی سازی راه آهن کرده اند (که بخشی از آنها کشورهای بدهکاری مانند آرژانتین در دوران بحرانش بوده اند) ایران تمام تلاش خود را به کار میبرد تا راه آهن را هر چه بیشتر خصوصی کند. هر چند هم اکنون نیز بخش بزرگی از راه آهن خصوصی بوده و در دست شرکت رجا وابسته به آستان قدس رضوی است. (۱۹)

از بین ۱۶ کشور که اقدام به خصوصی سازی راه آهن کرده اند ۱۳ کشور اقدام به واگذاری ناوگان و تنها سه کشور بخش زیربنایی را به بخش خصوصی واگذار کرده اند. اما بر اساس قانون مصوبه در ایران تا پایان سال صد درصد سهام شرکت رجا به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. و بخش زیر بنایی در برنامه واگذاری است.

باز هم مخابرات (۲۰) اما کنسرسیوم مبین با مهر اقتصاد و شرکت سرمایه گذاری الغدیر مشارکت میکند. هم چنین با شرکتهای سرمایه گذاری بهمن (فلاحیان رفیق دوست و ...) مهر اقتصاد، بانک ملت، بنیاد مستضعفان و هم شرکت تعاونی پیشگامان کویر یزد مذاکراتی به عمل آورده است تا بتواند آنان را نیز در این خوان یغما مشارکت دهد و با هم از این سفره ببرند.

موسس شرکت سهام عام شه‌ریار مهستان و سرمایه گذاری اعتماد مبین گروه بهمن است (۲۱) که دارای ۵۰ هزار سهام دار بوده و هر چند ۴۸ درصد از سهام آن در اختیار تعاونی سپاه است. اما بلوک مخابرات توسط شرکت سهامی عام خریداری شده است

البته دولت فعلی در انجام کارهای پر خطر از اصلاح طلبان بسیار جسورتر است. همه میدانند که اصلاح طلبان نمیتوانستند چنین گامهایی در جهت خصوصی سازی و رابطه با جهان سرمایه داری وبه خصوص امریکا بردارند.

مسئول میز امریکا در وزارت خارجه ایران. (این میز به تازگی تاسیس شده است. برای بررسی روابط با کشور امریکا است). میگوید رییس جمهور برای برداشتن گام جسورانه درارتباط با امریکا شجاعت بیشتری دارد. زیرا او از مسایل جنجالی هراسی ندارد. او نگران افکار عمومی نیست و خیلی مایل است که در موضوعات جدید درگیر شود (۲۲) و از طرف دیگر چراغ سبزه‌های امریکا به دولت احمدی نژاد کم نبوده است و رئیس جمهور آن کشور موافقت امریکا را با غنی سازی غیرنظامی در ایران در سخنرانی اش به صراحت بیان کرد و به دنبال آن مذاکرات ژنو برای توافقها در زمینه پرونده هسته ای ایران آغاز شد. اما گویا این بازی به این زودی ها نباید تمام شود و هر دو طرف برای حل بحران های خود به ادامه آن نیاز دارند. در حالیکه کارنامه چهار ساله دولت نهم ۲۵۰ میلیارد دلار فروش نفت ۵ میلیارد دلار ذخیره ارزی است(۲۳)،

در کنار غارت اموال عمومی دولت مداران از گسترش زمینه های ایدئولوژیک این تصاحب اموال غافل نمانده و تمام تلاش خود را برای بسترسازی ذهنی و تصاحب اموال عمومی فراهم میکنند و اعلام میکنند که ۴ هزار مدرسه به حوزه علمیه قم واگذار میشود. (۲۴) این طرح همراه با مجتمع های مسجد محور در مدارس و طرح تفکیک کتابهای درسی دختران و پسران و بیرونی و اندرونی کردن مدارس دخترانه و طرح تفکیک دانشگاهها از نظر جنسیتی پیشنهاد شده است. به خوبی میدانیم که گسترش تفکرات طالبان و بنیادگرایی اسلامی همراه با انحصارات اقتصادی و نظامیگری از سیاستهای دهه های گذشته امریکا بوده است. به دو اعتراف جدید در این زمینه میتوان اشاره کرد.

ژنرال حمید گل مدیر سابق سازمان اطلاعات ارتش پاکستان که سازمانده اصلی طالبان افغانستان که آنها را علیه روسها تجهیز کرده است، به صراحت میگوید که پاکستان و امریکا در تجهیز طالبان در پاکستان و افغانستان نقش داشته اند. طالبان در افغانستان و به تبع آن و برای پشتیبانی از آن، طالبان پاکستان بوجود آمد. گروههای تندرو و سلفی از نزدیکان این ژنرال پاکستانی هستند که به وسیله ی او تجهیز شده اند. اوبه صراحت گفت طالبان پاکستان از کانال امریکاییها تغذیه میشوند. همچنین هیلاری کلینتون در جلسه کمیته فرعی تخصیص بودجه در مجلس نمایندگان امریکا در خصوص ایجاد شبه نظامیگری در پاکستان و ارتباطش با جنگ دوگانه امریکا علیه شوروی سابق در افغانستان گفت: باید بگویم مشکلاتی که اکنون با آن روبرو هستیم تا حدود زیادی با مسئولیت خود ماست و باید بگویم که ما خود در تشکیل آن دخیل بوده ایم. ما تاریخچه ای از ورود و خروج به پاکستان داشته ایم. بگذارید یادآوری کنم کسانی که امروز با آنها میجنگیم بیست سال قبل با سرمایه گذاری ما تشکیل شدند. ما این کار را انجام دادیم چرا که در جنگ با اتحاد جماهیر شوروی درگیر بودیم. (۲۵)

و همراه با گسترش بنیادگرایی طالبانی گسترش بازارهای جهانی نیز ادامه دارد. در حالی که باغداران داخلی نتوانسته اند پرتقال های سال گذشته ی خود را بفروشند و در آستانه فقر و بیخانمانی قرار دارند، بازار ایران از پرتقال اسرائیلی پرشده است و انبارهای فراوانی از پرتقال اسرائیلی کشف شده است که گویا آنقدر فراوان بوده است که در یک مورد ماموران فراموش کرده بودند مارکهای محموله را محو کنند. ماجرای این پرتقالها به مجلس و سایر ارگانها میکشد و هیچ مقامی مسئولیت آن را قبول نمیکند در انتها این گمانه زنی برای همگان قابل باور میشود که وزارت بازرگانی مستقیما مسوول این مساله است و در زیرنگاههای تیز بین دولت مدتها به این امر مشغول بوده است. (در نهایت با اعلام اینکه این پرتقالها "فلسطینی" هستند سروته قضیه هم

می‌آید. البته دروغ هم نیست تنها پسوند "اشغالی" اش حذف شد.) سرمایه جهانی باید سودش را حفظ کند هر چند کشاورزان داخلی به خاک سیاه کشانده شوند.

اما سیاستها به دوران استعمار قدیم برمی گردد. میهن تولید کننده پارچه آن چنان در واردات پارچه غرق است که صنایع نساجی آن بطور کلی از مدار خارج میشود تا سرمایه های کره ای و مالزیایی و غیره بهتر رشد کنند، زیرا در مدار سرمایه های جهانی هستند و در عوض سرمایه های داخلی به آنجا برود که سودش بیشتر است و نیروی کار ارزانتر، به دبی و چین و ...

برخی میگویند این حرفها دل سوزاندن برای سرمایه داران داخلی است. اما دقت نمیکنند که سرمایه دار داخلی با کوچ سرمایه ی خود، سودش را میبرد و ضرری نمی کند، این تنها مشکل نیروی کار است که با این سیاستها بیکار و آواره میشود و این دسترنج نیروی کار است که به وسیله سرمایه داران غارت شده و به دنبال سود به چهار گوشه ی جهان سر میکشند. در اساس، این سرمایه داران مالکیت مشروع ندارند که کسی دل به حال آنان بسوزاند. اساس سرمایه ی صاحبان سرمایه بر سلب مالکیت از صاحبان واقعی آن قرار دارد، کسانی که صنایع دولتی و عمومی را به ثمن بخش میخرند و سپس تعطیل کرده و ماشین آلاتش را میفروشند تا سرمایه را برای سود بیشتر در جای دیگر به کار اندازند و از طریق واردات سود بیشتری ببرند و ...

میهن تولیدکننده شکر در فراورده های شکر غرق میشود تا زمینهای کشاورزی حاصل خیز به کار دیگری بیایند که سرمایه ها سود بیشتری ببرند و کالایی تولید کنند که بازار جهانی آن را میسندند. نیروی کار هم که دیگر هیچ اهمیتی ندارد و هزاران کارگر با خانواده هایشان آواره شهر و دیار میشوند!...؟!

بانک سینا متعلق به بنیاد مستضعفان با خرید ده درصد از سهام کنسرسیوم اعتماد مبین (برندهی معامله بلوک ۵۰ درصد + ۱۰ مخابرات) به ارزش ۱۵۶ میلیارد تومان به مالکیت ۵ درصد از سهام مخابرات دست یافت تا علاوه بر حضور در یکی از پولسازترین شرکتهای دولت امتیاز سرمایه گذاری و جوه مخابرات در این بانک را دریافت کند.... در پی این معامله کنسرسیوم اعتماد مبین توانست ۲۰ درصد نقدی این معامله را فراهم کند. سهامداران شرکت توسعه اعتماد مبین شامل:

۱- شرکت توسعه اعتماد (سهامی عام) دو درصد

شهریار مهستان (سهامی عام) ۲۶ درصد

۲- نگین گنجینه ایرانیان (سهامی خاص) ۴۶ درصد

گروه اعتماد پارس (سهامی خاص) ۲۴ درصد

بنگاههای صاحب سهام در ۵ شرکت فوق را بنا بر اعلام رسمی مدیران اعتماد مبین، بانک سینا، گروه سرمایه گذاری غدیر، شرکت سرمایه گذاری ساتا، صندوق ذخیره بسیجیان و... تشکیل میدهند. (۲۶)

از سال ۸۴ تا ۱۵ مرداد ۸۸ سهام حدود ۲۴۶ شرکت دولتی به ارزش حدود ۵۴۴ هزار میلیارد ریال به طرق مختلف از قبیل سهام عدالت، رد دیون، ارائه در بورس و مزایده و ۱۹ درصد هم از طریق واگذاری بلوکی واگذار شده است. بررسیها نشان میدهد شرکت سرمایه گذاری شستا (وابسته به تامین اجتماعی) شرکتی سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان (وابسته به موسسه مالی و اعتباری مهر بسیجیان سابق) و صندوقهای بازنشستگی بیش از ۴۶ درصد ارزش کل سهام بلوکی واگذار شده و کل شبه دولتی ها نزدیک به ۸۰ درصد سهام دولتی را خریداری کرده اند. (۲۷)

در اوج درگیریهای داخلی و سرکوب خواسته های مردم حضور مجدد شرکت انگلیسی شل و رپسول اسپانیا هم اعلام میشود. در قرار داد شرکتهای شل و رپسول برای گسترش فازهای ۱۳ و ۱۴ پارس جنوبی اعلام آمادگی کردند و با دولت ایران توافق کردند که فاز ۱۳ را در قالب یک طرح مشترک و ترکیبی اجرا کنند. در این توافق اعلام شد که قراردادهای بیع متقابل به قرارداد مشارکت میانجامد و قرارداد مشارکت که همان مبنای قرارداد کنسرسیوم است یعنی بر مبنای استخراج منابع به صورت ۵۰-۵۰ میباشند. از مسئولان پرسیده شده است که آیا این قرارداد بر خلاف قانون اساسی است، اما این سوال بی جواب مانده است. (۲۸) در همین حال

گزارش میشود که کشتیهای دام خریداری شده از امریکا در راهند و اولین مجموعه آن که عبارت از ۲۲۷ راس است وارد بندر ایران شده است و سالانه بین ۳۰ تا ۴۰ هزار راس گاو از امریکا و یا کشورهای دیگر خریداری خواهد شد که این مساله در راستای نابودی کشاورزی و دامداری داخلی و باز شدن فضای معاملات پرسود برای سرمایه تجاری و از آن طریق سود بردن این شرکتهای بزرگ است.

آنچنان کالاهای سرمایه داری جهانی بازار ایران را پر کرده است که سجاده و مهر و تسبیح و پرچم ایران وسایل تعزیه مانند زنجیر و دف و مراسم عزاداری همانند کلاه خود و مهرهای دیجیتالی و رکعت شمار نیر جایگزین کالاهای ساخت داخل شده است. (۲۹) اقتصاد طالبانی همه جا را گرفته است. نفت و معادن را فروختن و کالاهای آماده را از هر نوع خریدن و سوبسیدها را هم حذف کردن و قدرت نظامی و اقتصادی را در دست عده ای متمرکز کردن. در این زمینه وحدت سنت و مصرف کالایی به وضوح آشکار است. هم چنین انواع وسایل ضد شورش همانند باتوم، شوکر، اسپری گاز فلفل و.. وارد میشود و صد البته این کالاها در دست واسطه ها و تجار خاص است که در کار صادرات و واردات به پول نفت دسترسی دارند و بازهم میهن فرآورده های مهر و تسبیح و سجاده را در مهر و تسبیح و سجاده چینی های از خدا بیخبر غرق میکند زیرا سرمایه سود میطلبد.

و باز هم یکی از بزرگترین تولیدکنندگان سیگار در خاور میانه با سابقه بیش از ۷۰ سال که شرکت دخانیات دولتی ایران است، در برابر واردات سیگارهای خارجی در حال ورشکستگی است و توان پرداخت حقوق کارکنان خود را ندارد. زیرا بازار جهانی در این زمینه درهای بسته بازار داخلی را بگشاید و دل سوداگران بازار جهانی بدست آید.

حال کسانی که دولت فعلی ایران را طرفدار اقشار زحمتکش میدانند و آن را چپ به حساب میآورند، باید بگویند کدام قسمت از بنیانهای اقتصادی این حکومت در چند سال اخیر در جهت فوق سود نبوده و ارزش گذاری به نیروی کار بوده است و کدام قسمت کوچکترین مقاومتی در برابر تسلط سرمایه جهانی و متحدان داخلی آن سرمایه واسطه گری داشته است. اگر گرایش چپ این است پس سرمایه داری کدام است؟ مقام ارشد وزارت خارجه امریکا اعلام میکند که در بسته ی مشوقهای خود پیشنهاد خرید هواپیماهای جدید به ایران داده است و در خبری دیگر اعلام میشود که امریکا پیشنهاد داده است که ۲۲ هواپیمای جدید با پولهای بلوکه شده ایران از برای خرید صنایع نظامی در زمان شاه به ایران بدهد و ... که البته مانند بسیاری از اخبار ابتدا تکذیب میشود و سپس ....

و در همان زمان وزیر خارجه امریکا اعلام میکند که تصمیمی در مورد تحریم بنزین برای ایران ندارد. (۳۰) و این بازی موش و گربه همچنان ادامه دارد ( که نمونه های آن را در سی سال گذشته در مقاله « طرح تحول اقتصادی و تاثیر آن بر زندگی کارگران » بیان شد)

در کنار اقدامات خصوصی سازی و فروش منابع کشور به شرکت های بزرگ سرمایه داری و چندملیتی و پهن کردن فرش قرمز در برابر سرمایه های خارجی و شرکای داخلی آنان، موج بیکار سازی و اخراج کارگران و تعطیلی بنگاههای اقتصادی افزایش سرسام آوری را نشان میدهد.

از موارد آن اعتراضات کارگری هفت تپه، کیان تایر، ایران خودرو، چاپخانه های بزرگ وزارت ارشاد، ایران برک، فرش پارس، لاستیک دنا، هادی کار سمنان، نازنخ، فرنخ قزوین، نساجی سبلان، بازنشستگان صنعت فولاد ذوب آهن، لوله سازی اهواز، مجتمع صنعتی تبریز- پلی اکریل- صنایع مخابراتی، کارخانه آزمایش مرودشت، یخچال سازی بوژان، کارخانه نورد و قطعات فولادی کرج، کارخانه درخشان یزد، صنایع فلزی تهران، کارخانه مینوی تهران و دهها شرکت بزرگ و کوچک دیگر...

به طور متوسط از سال ۸۴ سالانه بیش از ۲۰۰ هزار کارگریکار یا اخراج شده اند. و به همین تعداد هم حقوق عقب افتاده ی چندین ماهه دارند که آمار آن را میتوان در خبرگزاریهای رسمی کارگری مشاهده کرد.

آن چنان اقتصاد بلبشویی همزمان با غارت اموال مردم به وجود میآید که در یک خبر حیرت انگیز گزارش میدهند ۱۸,۵ میلیارد دلار وجه نقد و طلا هنگام خروج از کشور توسط دولت ترکیه ضبط شده است. دولت ترکیه این مساله را تایید کرد. کانال "دی" تلویزیون این کشور که یکی از بهترین کانالهای خبررسانی ترکیه است



جزئیات این خبر را ارائه داده است و گفته است که سرمایه متعلق به یک تاجر ایرانی است که یک وکیل ترک به دنبال آزاد کردن این سرمایه هنگفت توقیف شده است. (۳۱)

بیکاری کارگران، تجمع سرمایه های کلان در دست عده ای خاص، از هم پاشیدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی در کنار ورشکستگی بخشهای کشاورزی به علت واردات کالاهای کشاورزی از همه نوع حتما توت فرنگی و پرتقال و... که باعث بیکاری فزاینده ی بخشهای مختلف است در کنار خود گسترش نیروی امنیتی و پلیس را داشته است. زیرا درهم ریختگی اقتصادی و اجتماعی جز با افزایش نیروهای پلیسی برای دولتمردان قابل حل نیست. نیروهای پلیس آن چنان عنان گسیخته میشوند و در اجحاف و زورگویی به مردم آن چنان زیاده روی میکنند که گاه فرماندهان پلیس برای آرام کردن جامعه مجبور به مداخله شده و از اختیارات پلیس کم میکنند تا مردم به جان آمده کمی آرام شوند.

در یک سال گذشته به پلیس راهنمایی و رانندگی اجازه داده میشد که هر گونه که بخواهند خودروهایی به قول خودشان متخلف را یعنی آنان که وارد محدوده ی ممنوعه و قرق شده خودروهای دولتی و وابستگان دولت میشوند متوقف کنند. این مساله آن چنان ابعاد گسترده ای یافت که برای مدتی فرماندهان پلیس مجبور شدند اختیارات ماموران پلیس را در مورد توقف اتومبیلها محدود کنند. (۳۲)

و آن چنان اقتصاد با برنامه های غارتگرانه درهم ریخته میشود که رسماً اعلام میگردد که سود بخشهای صنعت نسبت به فعالیتهای دلالی و واسطه ای ناچیز است به همین جهت همگان ترجیح میدهند که دلالی کنند تا آنکه به صنعت بپردازند. معاون برنامه ریزی توسعه صنایع میگوید: پیشینه ی مردم ایران مبتنی بر خلاقیت ابتکار و صنعت گری بوده است... البته او اذعان میکند که در سی سال پس از انقلاب اسلامی کفه ی صنعت و تولید سنگین تر نشده است بلکه دلالی و واسطه گری رشد کرده است. (۳۳)

هم چنین کاستن از خدمات عمومی ادامه دارد بطوری که دبیر خانه ی پرستار اعلام میکند: نیروی پرستاری ایران در بیمارستانها یک سوم استاندارد جهانی است (۳۴) و به همین جهت بسیاری از بیماران در بیمارستانها بر اثر عدم مراقبتهای مناسب بعد از عمل و یا در حین عمل جان خود را از دست میدهند. در حالی که باید به ازای هر پزشک ۲ الی ۳ پرستار وجود داشته باشد در ایران این نسبت ۱ به ۱ است که بیانگر سودطلبی و منفعت پرستی هر چه بیشتر حکومتگران است.

در حالی که از خدمات عمومی هر روز کاسته میشود که نیروی فزاینده ای از بازار کار اخراج میشود و ورشکستگی بنگاهها و تعطیلی آنها در برابر واردات بی رویه کالا از کشورهایی مانند چین ، آمریکا ، کره و غیره است. آنچنان که وزیر کار اعلام میکند قطار بیکاری ترمز بریده است (۳۵) و رییس اتاق بازرگانی پیشین میگوید بیکاری در سال ۱۳۸۸ آنچنان نگران کننده است که سال سختی را در پیش خواهیم داشت. این پیشبینی از ابتدای سال ۸۸ در حال تحقق است به طوری که معاون وزیر اقتصاد میگوید صنایع نساجی درگیر بحران رکود و ورشکستگی هستند و پس از اعلام ورشکستگی بسیاری از کارخانه های بزرگ نساجی ناگهان گفته میشود که یکی از بزرگترین کارخانه های نساجی کشور به یک سرمایه گذار خارجی واگذار شده است. نساجی مازندران با قدمتی ۷۰ ساله ابتدا ورشکست میشود سپس کارگران آن اخراج شده و بسیاری از آنان به افلاس میافتند و خانواده ایشان از هم میپاشد این همان کارخانه ای است که در یک گزارش آمده بود که آنچنان به افلاس کشیده شده اند که کارگران خانه و کاشانه ی خود را میفروشدند و آواره شهر و دیار میشوند و به خیل حاشیه نشینان شهری میپیوندند. (۳۶) و گزارشگران از آن نه به عنوان کارخانه که ویرانه، نام میبرند. (۳۷) و پس از تبدیل آن به ویرانه آن را با قیمت بسیار نازل به سرمایه گذار ترک واگذار میکنند. جالب آن است که سه سال تلاش میکنند که آن را ویران کنند و هزارن نفر را آواره شهر و دیار کنند کارگران را بی خانمان کرده و یه خیل تن فروشان و ولگردان بیافزایند زیرا که سود واردات بیشتر است و فروش زمینهای مرغوب این کارخانه سودآوری بیشتری دارد و سرمایه به نقدینگی تبدیل میشود تا به راحتی در بورس و خرید و فروش زمین و ساختمان و دلالی به کار گرفته شود و گفته میشود که زمین اصلی کارخانه ۱۱ هکتار در بهتری نقطه قائمشهر واقع شده است.

و سرمایه گذار جدید قرار است که این واحد را به یک واحد تولیدی از ابتدای بافت پارچه تا انتهای تولید لباس تبدیل کند تا کالای آن را در بازار جهانی بفروشد و زمین آن را هم تبدیل به ساختمان سازی و شهرک

سازی کند تا سودآوری بیشتری داشته باشد. اما در این میان هزاران نفر آواره شده و هر گونه اعتراض آنان سرکوب شده و با دستگیری و زندان پاسخ داده میشود.

این درحالی است که بنا به گفته نماینده ی قائم شهر نیاز سالانه ایران به پارچه ۱,۲ میلیارد متر است و تنها ۲۰۰ میلیون متر آن در داخل تولید میشود. این کارخانه به سرمایه گذار ترك واگذار میشود و ۱۰۰ میلیون یورو هم به او وام از صندوق ارزی پرداخت میشود (با بهره ۴ درصد). تا ماشین آلات جدید وارد کند و از این خوان یغما سود ببرد تا کارگران و زحمتکشان به خاک سیاه بنشینند. (همان منبع) (تصور کنید اگر این وام به خود کارگران و متخصصان این کارخانه داده میشد اکنون صادرات نساجی مازندران به بازارهای جهانی راه یافته بود.)

در همین راستا واردات بیرویه شکر تولید شکر را در ایران از ۱,۳ میلیون تن در سال ۸۵ به ۵۰۰ هزار تن در سال ۸۷ تقلیل داد یعنی در ظرف دو سال آن چنان واردات بیرویه را برای سود بردن ادامه دادند که صنایع قند و شکر یکی پس از دیگری به ورشکستگی افتادند و درکنار آن هزاران کارگر بیکار شده ، دشتهای حاصل خیز خوزستان و مزارع چقندر قند خراسان به مرکز آوارگی کارگران و کارمندان مشغول به کار در این صنعت تبدیل شد، زیرا که باید به بازار جهانی پیوست و این سرزمینها را تبدیل به مکانهایی کرد که در آن برای بازار جهانی کالا تولید میشود. حال این بازار جهانی هر چه میخواید باشد، مهم آن است که سود داشته باشد (۳۸)

در همین حالی که صنایع داخلی یکی پس از دیگری فدای بازار جهانی وسود میشوند و هزارهزار کارگر بی کار شده و آواره شده اند و صنایع یکی پس از دیگری تقدیم به سرمایه گذاران کوچک و بزرگ داخلی و خارجی و سپاه و وابستگان قدرت میگردد ، خبرهای سیاسی هم حاکی از رد و بدل کردن قول و قرارها میان خدمتگزاران سرمایه و سردمداران نظام سرمایه داری جهانی است تا همه چیز تکمیل شود.

خبر مذاکرات و گردهم آیی دیپلماتهای ایرانی و آمریکایی با میانجیگری ترکیه در ضیافت افطار دولت ترکیه باعکس و تفصیلات در روزنامه ها درج میشود (۳۹) این افطاری که در جریان برگزاری سمینار "دوستان پاکستان دموکراتیک" در ترکیه برگزار شده است ۲۰ کشور از جمله ایران و آمریکا در آن شرکت داشتند تا مشکلات پاکستان را بررسی کرده و بر سر حل آن با هم همکاری کنند. که البته پس از همکاری در مورد عراق و افغانستان و رسیدن به تفاهم کامل در آن زمینه اکنون نوبت همکاری در مورد حل مسایل پاکستان است. که میان ایران و آمریکا مذاکره صورت میگیرد تا در اوج اعتراضات مردم به حکومت، موقعیت حکومت گران تقویت شود.

بلبشویی در سودطلبی آن چنان فاحش است که روزنامه ها خبر از مفقود شدن ۲۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی ایران طی سالهای گذشته را میدهند. بانک مرکزی گزارش میدهد که ایران طی سالهای ۸۴ تا ۸۷ میزان ۲۷۹ میلیارد دلار از فروش نفت به دست آورده است در حالی که این رقم از سوی وزارت نفت ۲۵۶ میلیارد دلار اعلام میشود و معلوم نیست این تفاوت ۲۵ میلیارد ناقابل کجاست (۴۰) و البته مشخص است که چنین مبالغ کلانی یا به طور غیر قانونی از کشور خارج شده ( همانند ۱۸,۵ میلیارد دلاری که از مرز ترکیه با عکس و تفصیلات خراج شد اما معلوم نشد چه بر سر آن آمد) یا آنکه در بازار قاچاق صرف خرید سلاح و تجهیزات و فراوری اورانیوم و غیره شده است که باز هم کسی در این زمینه پاسخگو نیست.

اکنون مشخص میشود که تصویب طرح تحول اقتصادی با این سرعت تکمیل پازلی بوده که در سالهای قبل چیده شده است و اگر این قسمت پازل تکمیل نمی شد گویا برنامه ناقص میماند. انحصار قدرت و سرمایه در دست عده ای نظامی باید همراه با حذف سوبسید به نیروی کار باشد و به جای آن باید پاداش به کسانی داده شود که در خدمت وضع موجود هستند. کمک نقدی به کسانی که در این برنامه ریزی جانب قدرت و سرکوب را بگیرند تا با يك نیروی بزرگ تر به سرکوب بقیه معترضین پرداخت. طرح تحول اقتصادی باید به سرعت تصویب میشد زیرا نیروی نظامی نیاز به حمایت همه جانبه دارد تا در این اوضاع آشفته هم از نظر اقتصادی خود را تقویت کند و هم هر گونه صدای مخالف را به راحتی به عنوان مخالف نظام و غیره از میان بردارد. و در حقیقت در زمانی که مخالفین به دنبال زندانیان خود و کشته شدگان خود هستند پیروزمندان به راحتی برنامه های

خود را پیش ببرند. درحالی که مردم بیشتر به فکر آرامش روانی در برابر تجاوزات انجام شده در زندانها و بازداشتگاهها هستند و هنوز از شوک ایجاد شده به وسیله ی این تجاوزها بیرون نیامده اند، بهترین فرصت برای اجرای برنامه های به جای مانده از پازل قدرت و سرمایه فراهم میشود.

اما باید گفت قدرتمندان همه چیز را محاسبه میکنند به جز قدرت مردم و قدرت تاریخ. زیرا آن زمان که دوران يك نیروی اجتماعی به سر آمده باشد با هیچ چیز نمی توان آن را حفظ کرد. هر حرکتی از این قبیل تنها به جدائی بیشتر نیروهای اجتماعی از برنامه ریزانی اینچنین منجر خواهد شد. آن زمان که دوره ی سلطنت به سر آمده بود با هیچ ترفندی نمیشد آن را حفظ کرد و در آن زمان که دوره ی نظامی گری به سر آمده باشد دیگر حفظ آن محال است. چو برگشت زنجیرها بگسلد.

آذر هشتاد و هشت

\* \* \* \* \*

### زیرنویس ها:

- ۱- مقاله طرح تحول اقتصادی و حذف سوبسیدها منتشر شده در وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر
- ۲- (ماده ۷ طرح به نقل از روزنامه همشهری ۲۹ مهر ۸۸)  
نوامی کلین دکترین شوک- فصل ۷ صفحه اول
- ۳- میلتون فریدمن بنیان گذار دکترین شوک و یا مکتب شیکاگو معتقد است که برای جلوگیری از بحران ها باید همواره کارهایی را انجام داد که به جامعه شوک وارد کرد. یعنی هنگامی که آنان آماده نیستند، با يك برنامه غیر منتظره اقتصاد را به راه انداخت. برنامه های خصوصی سازی، لشکرکشی و ایجاد سرزمینهای سوخته در یوگسلاوی، عراق و افغانستان و هم چنین بازسازی پس از زلزله ها و طوفانها (سونامی) بهترین فرصت برای نابودی اقتصاد قدیمی و ایجاد اقتصاد جدید بر مبنای خصوصی سازی و بازار آزاد است.
- ۴- روزنامه سرمایه ۹ آبان ۸۸
- ۵- <http://banki.ir/sanatomaedan>
- ۶- روزنامه سرمایه ۲۵/۶/۸۸
- ۷- [www.bbc.co.uk/persian/business/2009/09/090914—he](http://www.bbc.co.uk/persian/business/2009/09/090914_he)
- ۸- روزنامه سرمایه ۲ مهر ۸۸
- ۹- به دو مقاله سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز در مجله راه آینده شماره ۵ و ۶ مراجعه شود  
شرق ۱۷ اسفند ۸۴
- ۱۰- سرمایه ۲ مهر ۸۸
- ۱۱- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=50097>
- ۱۲- سرمایه ۲ مهر ۸۸
- ۱۳- <http://www.ayandenews.com/news/13232>
- ۱۴- سرمایه ۲۵ شهریور ۸۸
- ۱۵- در ۲۳ مهر ۸۷
- ۱۶- همشهری ۱۴ شهریور ۸۸
- سرمایه ۱۳ مهر ۸۸
- ۱۷- همان منبع
- ۱۸- سرمایه ۱۲ مهر ۸۸
- اعتماد ملی ۱۸ فروردین ۸۸
- ۲ اسفند ۸۷ اعتماد ملی
- ۸ اردیبهشت ۸۸ اعتماد ملی
- ۶ اردیبهشت ۸۸ اعتماد ملی
- ۱۹- اعتماد ۱۸ آبان ۸۸
- اعتماد ۲۵ مهر ۸۸

اعتماد ۲۵ مهر ۸۸  
اعتماد ملی ۳۰ تیر ۸۸  
اعتماد ملی ۳۰ تیر ۸۸  
اعتماد ملی ۸ مرداد ۸۸  
سرمایه ۵ شهریور ۸۸  
اطلاعات ۴ شهریور ۸۸  
روزنامه بازار کار ۲۷ مرداد ۸۸  
اعتماد ملی ۲۷ اسفند ۸۷  
بازار کار ۲۷ مرداد ۸۸  
اعتماد ۱ مهر ۸۸  
صنعت و بازار کار ۲۷ مرداد ۸۸ \ روزنامه اعتماد ۳ شهریور ۸۸ \ اعتماد اول مهر ۸۸